

§ * * * §

(سوم)



سواد قرار داد بین خزانه دار کل ایران

(و مازور س ، ب ، استوکس)

بیست و چهارم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹)

مایین ، و ، مورگان شوستر نماینده با اقدار و خزانه دار کل دولت ایران

و مازور س ، ب ، استوکس رعیت انگلیس و مستخدم سابق فوج

هند ساکن شهر طهران قرار دادی مطابق فصول ذیل منعقد و با ارضاء

رسید .

(۱) بموجب اختیاراتیکه که از طرف دولت شاهنشاهی ایران

بموجب قانون مصوبه بیست و سوم جوزای ۱۳۲۹ مجلس به خزانه دار

کل ایران تفویض شده مجاز و مختار میباشد در تشکیل هیئت نظامی

مخصوصی برای نظارت (و امداد در وصول) مالیه ، و همچنین در

بستن معاهدات با معاونین مالیه که جزو هیئت مخصوصه ناظره باشند

با تصویب مجلس . و نیز بموجب اختیاراتیکه بر حسب قوانین بعد از

طرف مجلس بخزانه دار کل داده شده ، مجاز خواهد بود در قرار داد

با شخص اروپائی که مقیم ایرانست بجهت استخدام مشارالیه بعنوان معاونت

خزانه دار کل در شعبه تنظیم ژاندارمری خزانه . شروط این قرار

داد کلیه مطابق شروط قرار داد های با سایر معاونین مالیه و خزانه دار

کل میباشد

- (۲) دولت امپراطوری ایران بموجب این قرار داد مازور س ، ب ، استوکس را مأمور و مستخدم میگردداند بشغل معاونت خزانه دار کل ، خصوصاً در نظم و ترتیب اداره ژاندار مری خزانه بمدت سه سال کامل از ابتدای تاریخ این قرار داد .
- (۳) دولت شاهنشاهی ایران بموجب این قرار داد متعهد و متقبل می شود تأدیة مبلغ پنجهزار [دالر] سکه رایجه ممالک متحده امریکا یا معادل قیمت آن را به لیره انگلیسی که سالانه بدوازده قسط در آخر هر ماه بعنوان معاونت مالیه مازور استوکس موصوف بدهد .
- (۴) مازور استوکس تمام فصول این قرار داد را که ذکر شده و میشود متقبل ، و متعهد است که در تمام امتداد مدت این قرار داد عموم فرایض خود را بعنوان معاونت مالیه خزانه دار کل باکمال صداقت و درستی و داشتن اقتدارات بموجب مزبور انجام دهد .
- (۵) مازور مزبور در انجام فرایض مستخدم میش از احکام و قوانین خزانه دار کل ایران تمکین و اطاعت خواهد نمود .
- (۶) در صورتیکه از مازور مشارالیه در ادای تکالیف و وظایفش راجع به تمکین و اتقیاد از دستور العمل و قوانین مزبوره تعطل و مسامحه بروز نماید دولت شاهنشاهی ایران حق خواهد داشت پس از اظهار خزانه دار کل ، مشارالیه را از خدمتش منفصل و این قرار داد را بدون تأدیة حقوق شش ماه نسخ نماید .
- (۷) در صورتیکه مازور استوکس قبل از اقضای مدت این قرار داد بطیب خاطر مستعفی شود ، حقوق و اجرتش بقدر ایام خدمتش خواهد بود .
- (۸) بموجب این قرار داد ، مازور استوکس متعهد است که در امور

مذهبی و سیاسی سلطنتی ایران بهیچ وجه مداخله نکند ، مگر تا درجه
که اجرای وظایف حقه اش او را مجاز بدارد .

(۹) بر حسب این قرار داد مازور استوکس متعهد میشود که در
تمام مدت استخدامش بهترین مساعی و مجدترین کوششهای خود را در
تعمیر مالیات و ازدیاد عایدات دولت شاهنشاهی ایران بکار برده ،
آبادی و ترقی مملکت و بهبودی و ترفیة حال ملت و شرف و احترام
دولت ایران را در دایرة فعالیت خود مطابق قانون کاملاً پیشنهاد و
وجه همت خود سازد .

هـ

﴿ نطق مستر ه . ف . ب لینچ عضو کمیته ﴾

﴿ انجمن ایرانیان لندن ﴾

در دعوت شامیکه از طرف اعضاء انجمن مزبور به اعزاز ، و .
مورگان شوستر در [سوای هتل] لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲
(مطابق هشتم صفر ۱۳۳۰) داده شد .

﴿ معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قابل توجه دولت انگلیس است ﴾

رئیس مجلس ! مستر لینچ مزبور ، خانم ها ، آقایان ، اکنون جام
سلامتی مهمان امشب خود مستر مورگان شوستر را بهمه تکلیف
میکدم . کمیته ایران در استقبال مستر شوستر و دعوت از این
هیئت محترمه برای ملاقات ایشان ، مسلكی اختیار کرده که بکلی مطابق
عقاید سابقه اش میباشد . از همان ابتدا که این کار دقیق بسیار
مشکل مستر مورگان شوستر سپرده شد ، نظر بوانعیکه در راه پیشرفت
مأموریت و انجام وظایفش انداخته میشد ، مشارالیه همواره طرف حمایت
و توجه ما بوده است . همچو تصور مینمایم در تابستان گذشته بود
که خدمت وزیر خارجه رفته و ماهیت موانع مزبوره را به ایشان اظهار
و حقیقتشرا تشریح و توضیح نمودیم ، و از جناب ایشان رفع آن
موانع را تادرجه که ممکن است استدعا کردیم ، بسیار مایلیم رأی را که
در هفتم نومبر گذشته در مجلس وکلای عمومی ، در موقعیکه عدد
نمایندگان کامل بود ، متفقاً امضاء نموده خدمت وزیر خارجه فرستادیم

برای شما بخوانم ، زیرا رأی مزبور تشریح و مدلل میکند نقطه نظر و مسلك مطابق قانون و معمولی اعضای کمیته ایران را که در نظر داشتیم (نظر با اهمیت و فواید این مملکت) باید مالیات ایران بر بنیاد صحیحی گذارده شود ، تا بدان وسیله بتواند قادر بر اصلاحات لازمه ادارات به انضمام تسهیل وسایل و تأمین عبور و مرور در آن مملکت بشود .

« نظر به اینکه مستر مورگان شوستر از حیث خزانه دار کل با کفایت و با تجربه بودن خود را در نظم و اصلاح امور مالیه ثابت گردانیده ، این [میتینگ] (مجمع) اعضای کمیته توجه کامل دولت اعلیحضرت (انگلیس) را بطرف مشکلاتی که دولت روس در راه پیشرفت مساعی مستر شوستر در اصلاح امور مالیه ایران افکنده است ، معظوف ساختند ، حمایت خود را از مشار الیه در هر اقدامیکه دولت اعلیحضرت به نام یکی از امضاء کنندگان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس مناسب بدانند تقدیم مینمائیم » .

این بود رأی مزبور ، و من بسیار متأسفم از پذیرات بسیار خنکی که در ماه نومبر از آن رأی کرده شد . البته کسانیکه مواظب جریان امور ایران بوده خواهند دانست که پس از پیشنهاد این رأی به اندک فاصله روس اولتیماتومهای خود را به ایران فرستاده ، و در اولتیماتوم دوم عزل مستر شوستر را خواستگار شد . تاکنون هنوز نتوانسته ام از ماخذ صحیحیکه دولت روس بموجب آن انفصال مشار الیه را خواست مطلع شوم . تصور میکنم باید در پارلمان (انگلیس) بر این نکته پسندیده پرتو کاملی (نظر عمیقی) افکنده شود از همه گذشته چیزیکه بسیار ناملایم و ناپسند است همان

مسئله‌ای است که دولت ما نسبت به مسأله شوستر اختیار کرده است (بشنوید ! بشنوید) سرادوار دگری ماهیت و حقیقت آن مسأله را در مذاکراتیکه در جلسه چهارم دسبر مجلس وکلای عمومی واقع شده بود در ضمن مذاکره حالات جدیده ایران اظهار داشت . خیلی ما یلم اظهار مذکور را برای حضار تذکار نمایم . ایشان میفرمایند : تقاضای اول دولت روس انفصال مستر شوستر است از مستشاری مالیه ایران ، ما تعرضی به این تقاضا نمیتوانیم نمود ، علت آن را هم به پارلمان توضیح خواهم داد . چندی قبل تلگرافاً مطلع شدم که مستر شوستر سه نفر از رعایای دولت انگلیس را بعنوان صاحبمنصبی خزانه به خدمات بزرگی مأمور گردانید ، اگرچه لیاقت و حسن نیت مستر شوستر محل شبهه نیست ، ولی این نکته را هم باید در نظر داشت ، که مقصد و مفاد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را بواسطه افعال یک نفر نمیتوان فاسد و در هم و برهم نمود ، ولو مبنای آن افعال بر صحت و حسن نیت هم باشد . اگرچه هر نصیحت و خیرخواهی که در اجتناب از این امر توانستم به اسرع و سایل نمودم ، ولی در صورتیکه آن آراء مفید واقع نشد ، البته به حمایت مستر شوستر قادر نبودم ، اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم (توجه خواطر عموم را به این استدلال منعطف میسازم) اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم ، گویا از منصوب نمودن مستر شوستر افسران انگلیسی را در منطقه نفوذ روس تقویت نموده و در این صورت مفاد و مقصد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را قرض کرده بودم .

خانم ها ، آقایان : اکنون باید این نکته را بخاطر داشت که اجتناع این هیئت نه برای حله بروزیر خارجه است ، بلکه بسیاری از ما

ایشان را محترم میدانیم . با کمال اطمینان میگویم که در هیچ صورت همچو ایهامی (حمله بر وزیر مزبور) هم نه در اظهارات خود و نه در بیانات سایر ناطقین نخواهد بود .

ابتداءً میخواهم قسمتی از آن بیانات اطمینان بخش (جناب سرادورد گری) را ذکر کنم ، وزیر خارجه ما از طرف دولت اعیان حضرت بکفایت و حسن نیت مستر شوستر اعتراف مینمایند . پس ملاحظه فرمائید که کار دانی و شخصانیت مستر شوستر هیچ محل تأمل نیست . مسئله را که باید امشب بسنجیم ، یعنی نکته را که سزاوار هست مجامع بزرگتر در خارج از این محوطه بسنجند اینست که آیا مستر شوستر حقیقه مفاد و منشاء معاهده انگلیس و روس را نقض کرده است ؟ زیرا که از نقض ظاهر عبارات آن عهد نامه گفتگویی در بین نیست .

در هر صورت تاریخی را که وزیر خارجه ما نسبت نقض مفاد و مفهوم این معاهده را به مستر شوستر داده اند درست بخاطر ندارم . اگر هم بغلط رفته باشم ایشان میتوانند اصلاح کنند ، که وقتیکه مستر شوستر شروع به اصلاحات اداره خزانه ایران نمود بوزیر مختار مقیم طهران ما متوسل گشت ، و از وزیر خارجه ما استفسار نمود که آیا در مأموریت ماژور استوکس بریاست ژاندارمری خزانه اعتراضی خواهند داشت ؟

بی شبهه ماژور استوکس رعیت انگلیس است ، و بنا بود در شمال ایرانهم باجرای وظایف خود به پردازد . و آن مسئله چیزی هم نبود که بر کسی پوشیده و پنهان باشد .

جوابی که به مستر شوستر داده شده بدین مضمون بود که وزارت خارجه ما در مأموریت بمشارالیه ابداً عذری تصور نمیکند . پس آن

تغییر از چه وقت و به کدام سبب در مسلك وزیر خارجه ما راه یافت ، و کی به این نتیجه آخری منتقل شدند ، که رعیت بودن انگلیس مانع از استخدام در ادارات کشوری شمالی ایران میباشد ؟ در این موقع سؤال دیگری هست که باید قدری بدان توجه نمود . اگر این سؤال از خود من بشود که « مستر شوستر آیا در تعیین مأمورین بشمال ایران مخالفتی با مفاد معاهده انگلیس و روس نموده ؟ » نظر باطلاع کاملی که از معاهده مزبوره دارم ، و چون اظهار آت مسلك از طرف دولت اعلیحضرت بوده ، با کمال جرئت جواب خواهم گفت که در مفاد عهد نامه چیزی نیست که تأیید و حمایتی از این اعتراض نماید (نمره) چند روز قبل بیان بسیار مطبوع و پسندیده از مفاد و مفهوم همین معاهده ، آهم از شخص مثل سر جارج بوکانن (Sir George Buchanan) سفیر کبیر انگلیس در پترسبرگ شنیده شد ، که در اثنای نطق بلیغ خود ، در موضوع اتفاق انگلیس و روس همچو اظهار نمود که « قایماً امید وارم این اتحاد انگلیس و روس در اعماق قلوب هر دو ملت ریشه خواهد دوآید ، اتحادات معنویه بین ملل مربوط به امور پلیدی نیست بلکه ناشی از احساسات دوستانه و اعتماد و همدردی ایستکه ملل مختلفه را بطرف یکدیگر جذب و متمایل میسازد ، پس باید اتحاد خود مان را بر این بنیاد استوار بداریم ، تا هیچ امری باعث تزلزل آن نشود ، بمقیده خودم هم می توانیم با ظاهر عبارت سفیر کبیر خود اتفاق نمائیم (بشنوید ، بشنوید) و آن را مانند سند معمولی به پنداریم که ممد اجراء و نفوذ معاهده انگلیس و روس باشد . پس از خودمان سؤال میکنیم ، وقتیکه مستر شوستر آن سه نفر رعیت انگلیس را (بخدمات خزانه ایران) مأمور نمود ، آیا مفهوم و مفاد آن معاهده را که سفیر کبیر انگلیس

تمجید و وزیر اعلی حضرت در پارلمان توضیح و حمایت از آن کرده بود
 نقض کرده است یعنی مفاد همان اتفاق و اتحادی را که بین بریتانیای
 کبری و روسیه جانشین رقابت و سوء ظن سابق گردیده بود ؟
 مستر شوستر واقماً چه کرد ؟ سه نفر رعایای انگلیس را به شغل
 مختصر اداره خزانه ایران در سه شهر مأمور گردانید ، یعنی در تبریز
 و اصفهان و شیراز . اما تبریز که با سرحد روس از نزدیک ترین
 نقاط و شصت میل فاصله دارد و محل نزول تجارت بزرگ انگلیس است
 به نقاط شمالی ایران . و اصفهان که چند صد میل از سرحد روس
 دور است نیز در منتهای دوشاه راه معتبر تجارتنی انگلیس به خلیج
 فارس واقع است . و شیراز هم در نقطه واقع است که عموماً جزء
 خطه خلیج بشمار است . پس در موقعیکه مستر شوستر آن سه نفر
 را سه نقطه مختلفه بخدمات مختصر مأمور گردانید چه گونه می توانست بداند
 که بامنشاء و مفاد معاهده انگلیس و روس مخالفت نموده است ؟ (نوره)
 خانها ، آقایان ، باید قدری در این معامله بدقت ملاحظه نمود . منطقه
 روس چنانکه در معاهده انگلیس و روس معین و رسم شده منطقه
 است برای جلب منافع و اغراض تجارتنی . و هیچ ارتباطی (منافاتی) با تعیین
 مأمورین در ادارات کشوری ندارد . تصور بفرمائید اگر این قاعده
 را جاری و مسلم بداریم که دولت ایران حق ندارد هیچک از اتباع
 انگلیس را در منطقه نفوذ روس مأمور گرداند معنیش چه خواهد بود ؟
 معنیش اینست که در تمام خطه که وسعتش از فرانسه بیشتر میباشد ، و
 پای تخت و تمام شهرهای بزرگ معروف ایران در آن واقع است ، اگر
 اتفاقاً در تمام آن خطه وسیعه یکی از رعایای انگلیس باشد ، فقط
 حیثیت رعیتی انگلیس مانع کاملی بجهت استخداش در ادارات کشوری

دوات ایران خواهد بود . (شرم !) خانها ، آقایان ، فرض بفرمائید یکی از ماها به ایران رفته بخواند در یکی از خدمات کشوری دوات ایران داخل شود ، و جواب بشنود که « محلی نیست و خواهش شما را نمیتوان پذیرفت » در صورتیکه اصرار بکند جواب بشنود « با کمال میل که به استخدام شما داریم مناسفانه موانع چندی در پیش است » چنانچه پیش از آن مبالغه کند آیا دولت ایران میتواند همچو جوابی بدهد که « بسیار خوب شما را بسفارت روس رجوع خواهیم کرد » . (خنده) در صورتی هم که بسفارت روس برویم جواب معلوم نیست چه خواهد بود ! یقین دارم بطرز خوشی جواب خواهند گفت که چون دو دوات بزرگ یعنی دولتین انگلیس و روس برای اتفاق و اتحاد با هم معاهده را امضا نموده اند ، به این جهت شما که یکی از رعایای دولت انگلیس میباشید در هیچیک از نقاطیکه به سرحدات روس نزدیک است نمیتوانید مستخدم شوید ، آنهم در خطه که وسعتش بیشتر از تمام مملکت فرانسه است . (خنده) و لازم است که امید استخدام خود را به روس و آلمان و ایتالیا و بلجیک و سوید وا بگذاریم . همه ایشان یعنی رعایای هر دوائی بخوشی و طیب خاطر پذیرفته میشوند ولی در این عهد میمون جدید بواسطه اطمینانیکه انگلیس و روس نسبت به یکدیگر دارند باید رعایای انگلیس از این حق هم محروم و بی بهره شوند (نعره ؟ خنده)

اکنون میخواهم قلوب شما را به طرف نکته دیگر متوجه سازم ، که چه عال و وسایل باعث جلب مستر شومتر به ایران گردید ، زیرا که از اصل قضیه بخوبی مطلع و مستحضرم . از استعمال این کلمات مختصره که « چه عال و وسایلی باعث جاب مستر شومتر به ایران

گردید ، معذرت میخواهم ، اوایل سنه ۱۹۰۹ (میلادی) اهالی ایران چون دیدند حکومت در دست سلاطینی که از خانواده ترکهاژان بوده به پریشانی بدی دوچار و بحالت سختی افتاده و برحسب گفته خود شان بواسطه استقراضهای بسیار سنگین مملکت شان را به اجانب میفروختند ، مصمم شدند که آن پریشانیها را خاتمه داده و خیالات مغرب زمینیان را پیشرو مقاصد خود ساخته روح تازه در قالب مملکتشان بدمند . در ژوئیه ۱۹۰۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۷) بدون خونریزی آن انقلابات خاتمه یافت ، نتیجه اش این شد که محمد علی شاه آن زمان مجبوره تحصن در سفارت روس و يك سلطنت مشروطه منظمی بجایش حکم فرما گردید ، یا بعبارت اخیری حکومت مشروطه که در سابق بود معاودت نمود .

ولی دولت جدید مصادف با بلیات و پریشانیهای چندی گردید . ملت ایران از چند صد سال قبل در تحت فشار استبداد مطلق زندگانی کرده بود ، همان استبدادیکه عناصر حیات ملی را در هم شکسته و جوانان ایرانی را از مسافرت به [اروپا] منع میکرد ، و اگر کسی دم از قابلیت و استقلال یا آزادی میزد ، او را معلوم یا تبعیدش میکردند . آن مملکت سر زمینی بود که مدت های متمادیه جثه اش زیر پاشنه ظلم مستبدین باهمال و نرم شده بود ، همان مستبدینیکه در هر مرزو بوم قدم گذاردند تخم زندگانی ملی بسیار دیر روئیده و بارور میشود . در هرچو مملکتی بود که ملت ایران میخواست طرز رفتار جدید و منظم مطابق قانونی برای خود اختیار کند . چون این نکته را هم ملتفت شده بودند که آنها نمیتوانند نظم کامل و قانون را در مملکت خود جاری و ساری بدارند ، با یکدیگر میگفتند (منم بصحت گفتار شان

معرفم) « باید به ممالک مغربی رفته ، دروس ابتدائیه خود را در نظم و اصلاح ادارات کشوری تکمیل نمود ، و باید مردمانی را بدست آورد که اداراتمان را منظم و طبقه جدیدی از صاحبمنصبان ایرانی را تربیت نمایند » .

خانها ، آقایان ، ایرانیان در خیالات و جلب منافع خود فقط متابعت از ژاپونیها مینمودند ، چنانکه ژاپونیان مستشاران اجنبیه ، یعنی مغرب زمینی را جلب نمودند ، تا دروس مغرب زمینیان را به ایشان بیاموزند . در این مجمع آیا کسی هست که بطرف ژاپونیان سنگ بیندازد (یعنی ایشان را ملامت نماید ؟)

بهر حال اولین امر مهمی که اصلاح آن را در نظر داشتند اصلاح همین مالیه بود . تصور می کنم اول وهله بجهت اصلاح این امر بزرگ به فرانسه رجوع نمودند . در آن زمان مسیوپیشون (M. Pichon) وزیر خارجه فرانسه بود . مشارالیه بسیار مایل بود که هیئت را برای اصلاح مالیه ایران اعزام نماید ، ولی از طرف [دیپلوماسی] روس مقیم پاریس بقدری اشکال تراشی شد که کلیه اصل خیال را فاسد نمود بعد از آن بجهت نظم ژاندارمری خود شان از ایتالیا خواهش نمودند آن خواهششان نیز بی نتیجه ماند . سپس مدبرین ایرانی بدین امید که شاید اشکال تراشیمای مزبوره نسبت به ممالک متحده امریکا مؤثر نشود از رئیس جمهوری آنجا خواهش معاونت نمودند . مشارالیه هم مستر مورگان شوستر را انتخاب نمود [نعره] این بود علت اصلیه مأموریت مستر شوستر بایران . لیکن چند کلمه هم باید راجع بشخصانیشان بیان کنم . میگویند مستر شوستر در نقض معاهده انگلیس و روس و ختمی نمودن آن کوشش نموده است ، ولی تصور میکنم این نسبت

یکی برخلاف حقیقت و واقع است . تا بستان گذشته را با اینکه همه میدانند که چه تا بستان گرمی بود ، بدبختانه مجبور به اقامت در لندن شده ، تمام دو ماه اوت و سبتمبر را همین جا ماندم . و پیوسته بتوسط تلگراف درباره تعمیر خط آهن ایران با مستر شوستر مشغول مذاکره و مخابره بودم . مشارالیه همواره سعی بود که امتداد راه آهن دولت ایران را با مواد معاهده انگلیس و روس تطبیق نماید . بلکه از این درجه هم پیشتر رفته مصمم بود ، نفوذ خود را نسبت بمجلس و مجلسیان بکار برده تا بتواند ایشان را بقبول شرکت انگلیس و روس در تعمیر راه آهن در منطقه های تجارتي که در معاهده معین شده راغب گرداند . مستر شوستر تا حدیکه مدلول آن عهد نامه واضح و مسلم عند العموم بود خود را دوست و حامی بزرگ آن ثابت گردانید .

پس در این صورت علت اصلی انفصال ایشان چه بوده ؟ میتوان علت اصلی عزل را به يك جمله مختصر اداء نمود ، ولی این جمله از منشآت خودم نیست ، بلکه از مکتوب یکی از هموطنانم که در ایران اقامت دارد و چند روز قبل رسیده اخذ نموده ام . مشارالیه در صورتیکه از طرف دار حزب ملی است و نه حامی فرقه دیموکرات علت عزل مستر شوستر را چنین اطلاع داد .

د شغل مستر شوستر از همان ابتدا خراب شدنی بود . زیرا معنی ترفیه و آسایش ایرانیان ، ضعف حکومت و نگرانی روس است در آن مملکت .

خانمها ، آقایان ، در خانم نطق خود سؤال میکنم که غرض از این دعوت چه ؟ و آنچه ما را از حضور در این مجامع منع نماید

چیست ؟ ، این مطالب محتاج باظهار ندارد که محرك اصلی این اجتماع هیچگونه مخالفتی با روس نیست ، و غالب ما ها بعقیده خودم مات روس را دوست میداریم . اگر ممکن بود ارواح جاییه تصورات و خیالات ادبیه روسی مانند [تولستای ها] (Tolstays) (و تورگنیف ها) (Tourgenieffs) و دیگران (۱) را کنار این میز حاضر نمائیم همه را حامی و طرفدار خود می یافتم (نمره) جراید [لیرال] روسی در همین زمان حاضر [آرئیکل] هائی راجع بمعاملات ایران مینویسند که اگر ترجمه شود ، مثل مقالاتی است که در ستونهای روز نامه های [دیلی نیوز] و [مانچستر گاردن] درج شده . نمایندگان حزب رنج بر روس در تقریراتشان در [دوامی] روس راجع بطلوع قوای سیاسی (نه فقط در مملکت روسیه بلکه در تمام اقطار عالم) بحدی مبالغه کرده که از اتفاق با مهمانان انگلیس از این حیث که در محویت و اضمه لال مات قدیمه ایران بادولت روس شرکت نموده انکار ورزیده اند .

بعضی اوقات شنیده میشود ، اعضای کمیته ایران مصمم نقض نمودن معاهده انگلیس و روس شده اند . این دروغ عمده است که حاکی از بد نفسی گویندگان آن میباشد . ما تخریب و نقض معاهده مزبوره را طالب و خواستار نمیداشیم . بلکه عکس آن با کمال صداقت در تکمیل و تقویتش حاضریم (نمره) در صورتیکه مقصود ما هیچگاه مخالفت با روس و نقض مواد آن عهد نامه نبوده چگونه میتوانیم مفاد و مدلول مسلمشرا محدود نمائیم ؟ . حضور ما در اینجا اولاً برای اینستکه از خود مستر شوستر تجربیات و بیان واقع اشکالاتیکه راجع به ایران است شنیده .

(۱) تولستای فیلسوف معروف روسیه بود که دارای مسأله دموکراسی و حامی رنج بران بوده ، و تورگنیف نیز یکی از ادبای نامی قدیمه آف مملکت پشاور است . مترجم

و بدانیم که بعقیده ایشان ایرانیان تاچه درجه قابل تکمیل موجبات حیات ملی خود میباشند ، در صورتیکه دو همسایه قوی مجال حرکت دادن دست و کشیدن نفس به ایشان بدهند . ولی مقصود دوم ما شاید قدری شخصی باشد . و آن اظهار مطلوبیت عزم محکم و پسندیدگی همت عالی مستر شومستر است ، که خدماتش را در ایران ممتاز ساخت . و نیز اظهار همدردی با خود ایشان است در پیش آمد های نا کواریکه خدماتش را قبل از انجام یافتن خاتمه داد . امیدواریم بوسیله این اظهار همدردی پسندیده تردداتیکه در دل هموطنان ساکن ماوراء دریای [انلانزیکیم] راه یافته دور نمائیم . نظر بحسن عقاید و خیالات ملت انگلیس نسبت به آن شخص محترم اتازونی و بمناسبت مقاصدیکه در دل داریم خواهشمندم همگی جامهای خود را بلند نموده سلامتی مستر مورگان شومستر را طلب نمائید .

و ا و

❖ سواد دو [آرتیکل] روز نامه [نیشن] مطبوعه لندن که در
 (۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم ذیحجه ۱۳۲۹) اشاعه یافت)
 (اول)

❖ آزادی مفقود شده ایران ❖

دو هفته قبل شعاع امیدواری مختصری بقدر یگدقیقه بحالات ایران
 پرتو افکنده بود . ایران فی الواقع تحت تهدید محاصره روس واقع
 شده . از طرف (لرد کرزن) برای تبدیل مسلك انگلستان عذری پیشنهاد
 شد که علاوه بروزین و نا هموار بودنش غیر متوقع هرکس بوده .
 ایرانیان خود را برحم و مسرت ما حواله نمودند . خدمات مستحسنه
 و مساعدتهای پسندیده سیاسی از طرف ما نظر به مآل اندیشی یا اظهار
 همدردی نسبت با ایشان تقدیم شد . اگر وزارت خارجه ما مایل بود
 که در معاملات خود با شریک افزنده و بدینش به جوانمردی رفتار کند
 و اگر دلمهای مدیرین روس مختصر اعتنا و توجهی به ممنون گردانیدن
 شریک بسیار حلیم شان راه یافته بود این حمله بر آن مملکت فوراً منع
 می شد ، و اقلای ایرانیان خاضع و خاشع مملکت خود را سالم نگاه میداشتند
 مامیترسیم که این امیدواریها خاتمه بیاید . روسها خود را بسیار
 موزی و بی رحم ثابت نمودند . و بهذرتهای ایران و خواهش و

توسطهای ما ابداً گوش نمیدهند . افواج ایشان بی در پی بطرف
 طهران پیش میروند ، دیپلوماسی ایشان آخر کار اعتراف می نماید فاسد
 گردانیدن تا ابدالدهر این ادعا را که ابراز دولت شاهنشاهی مستقلی بود
 اگرچه قبلاً شدن این امر بی اشکال نخواهد بود . ولی سرادواری
 در نطق روز دوشنبه مسأله خود را واضح و مشروح تر از سابق بیان
 نمود . يك جمله مختصری هم در عبارات ایشان دیده میشود که
 بتوان توهین خفیفی نسبت به حرکات و اقدامات روس تعبیر نمود .
 و نه يك کلمه که مداخلات کامله روس را محدود سازد ، و نه اشاره
 بغیر مطبوع بودن رد کردن روس آرائی را که علی الظاهر معادلانه داده
 شده بود ، و نه يك فقره که ایرانیان را معاونت نماید در محفوظ داشتن
 مقدار قلبی از ثروت ملی خود ، بلکه از همه بدتر اینست که سرادوار
 گری نه فقط در حمایت مجانی از حرکات جاریه روس از مسأله خود
 خارج شده ، بلکه عمداً اختیار کرده است . توسیع سرفتمهای معاهده
 انگلیس و روسرا که بنیاد تمام مظالم روس میباشد ، مفهومی که از صریح
 عبارات آن معاهده مترشح است اینست که ایران را تقسیم میکنند به نقطه
 های اقتصادی (تجارتي ؟) که هر يك از آن دو دولت متعهدند ترك
 مخالفت یا جلب امتیازات دولت دیگر را در حدود و منطقه آن دولت .
 ما هیچگاه این قرار داد را با استقلال و آزادی ایران مناسب نخواهیم
 پنداشت ، و همیشه در مباحث خود گفته ایم که آن تقسیم را بواسطه
 جهالت یا بی اعتنائی به فصول عهد نامه به تقسیم پلتیکی توسعه داده و
 یا خواهند داد

آخر کار سرادواری برای اظهار حقیقت اغراض مخصوصه

که هر یکی از آن دو دولت در منطقه خود بخود انحصار داده
 با نهایت چالاکی کلمه پلتیکی را در آن عهد نامه داخل نمود ، مثل اینکه
 گویا از پس پشت انداختن شروط آن اطلاع ندارد . همینکه يك مرتبه
 کلمه مزبوره استعمال شد باید استقلال ایران را رفته و تقسیمش را
 تکمیل انگاریم .

مناقشه بین مستر شوستر و دولت روس را که منجر بمداخلات
 دولت مشارالیهها گردید اگر بعبارات مختصری بیان کنیم شاید مناسب
 باشد . مناقشه مزبوره از زمان ورود مستر شوستر به آن مملکت
 جاری شده و بصور و اقسام مختلفه تغییر نمود . شروعش از طرف
 روس شد ، یعنی از همان وقتیکه خواهش مستر شوستر را در تأدیة
 عایدات گمرکی به مشارالیه که مستشار و مدیر مالیه بود ، رد نمود .
 لباس دیگریکه براین مناقشه پوشانیده شد ، سعی ثابت کاملی بود در پناه
 دادن و حمایت نمودن دولت روس از ارکان و اعیان مملکت که تا
 بحال به تأدیة مالیات املاک خود تن در نداده بودند ، تا از این راه توسعه
 و ازدیاد مالیات را مانع آمده باشد . سپس مخالفت روسیان در فقره
 استخدام رعایای انگلیس بود که از زبان و رسوم ایرانیان کاملاً واقف
 و محل اطمینان اهالی بودند بخدمات مختصر خزانه در شمال ایران .
 اگر چه نمیتوان اعتراف نمود که اصرار مستر شوستر در این استخدام
 بانداستن اطمینان از طرف مستر تفت و سرادواردگری کلیة مطابق صحت
 و تدبیر بوده ، ولی از حیثیت ادای وظیفه اش مسلماً حق و درست بوده
 است . این مقدمه راه نما و موصل ما خواهد بود به تعبیر یکه از مفاد
 معاهده مزبوره شده . اگر ایران واقعاً دارای حکومت مستقلی است
 پس حق خواهد داشت هر کس را که بخواهد به نظارت مالیات خود

مأمور گرداند . اگر انگلیس و روس حقیقه غرضشان از آن معاهده فقط مقید بودن به احترام از امتیاز و انحصارات اقتصادی یکدیگر میباشد آنهم درمنطقه های متناسبه خودشان ، پس مسلم است که دراستخدام در شعب مالیه مسئله تبعیت و رعیتی امری نیست که منافات با مقاصد ایشان داشته باشد (به هنر شان بر بخورد) ولی در صورتیکه غرضشان رقابت یا تفوق پلنیکی است که در دو خطه مفروضه شمال و جنوب ادعا می نمایند پس ارسال و تعیین صاحب منصب انگلیسی را درمنطقه نفوذ روس باید مخاف با مفهوم و بلکه با ظاهر مواد آن عهد نامه دانست ، چنانکه معاهدین همین قسم تصور نموده اند . از این بیان حیثیت پلنیکی آن تقسیم بخوبی ثابت و محقق میشود .

سپس واقعه شعاع السلطنه پیش آمد ، و سر ادوارگری هم بطوری بسهولت از آن اغراض کرد که گویا [نمس] اراده حمایت هم از حرکت روس نموده بود ، اگر مثلاً دولت ایران نتواند ژاندارم ایرانی را برای تنفیذ احکام خود بر رعایای ایرانی که مدیون اویند مأمور گرداند ، پس شاهنشاهی در مملکت خود خستاده پذیرفته است . این مسئله سبب اصلی لشکر کشی روس بدان مملکت گردید . اما بهانه جاری داشتن روس پیش قدمی خود را ، پس از آنکه دولت ایران مطابق رأی و صلاح دید دولت انگلیس معذرت خواست ، و برای قبول مطالب جدید روس که یقیناً سر ادوارگری در قبول آن نیز رأی داده بود حاضر شد ، مستر شوستر در همان اثنا ترجمه مکتوب خود را به [نمس] لندن اشاعه داد ، و در آن دفاع نموده بود از تنفیذات روسها ، و مخالفت های مؤثره مهلکه را نسبت به گماشتگان روس ثابت نموده بود ، بجهت مساعدت هاییکه بشاه مخلوع نموده بودند . در این مورد احتمال شبیه

و زدید می رود که خود مستر شوستر مسئول اشاعه آن مکتوب بوده ؟
 اگر دولت بزرگی بتواند بر مملکت کوچکی فقط بدین بهانه قشون و حمله نماید
 که يك نفر صاحب منصب خارجی آن دولت كوچك جرئت کرده است که در
 رد حملات جراید نیم رسمی انگلیس و روس مکتوب متدل با استدلالی
 به [تمس] بنویسد . پس باید تمام روابط منصوره بین المللی را تغییر داد
 مثلاً اگر يك نفر صاحب منصب آلمانی حملات [مکننا] (Mokanna) را
 در تسریع مرمت جہازات در [تمس] رد نموده بود آیا ما میتوانستیم
 آن تحریر را علت جنگ قرار دهیم ؟ حقیقتاً این قضیه همان قصه گرگ
 و بره و بحدی ظاهر است که هیچکس تحمل تشریح بیش از اینش را
 نتواند نمود .

بیان واقع اینست که دولت روس از اول مصمم بمخالفت با مستر
 شوستر بود ، زیرا که مشارالیه قدرت و بی باکی امریکائیشرا از اول
 ایراز نموده و ایران را بزودی قابل نظم و تأدیة قروضش ساخت .
 اگرچه مشارالیه شخصی نبود که بدون جد و جهد مغلوب کسی واقع
 شود ، ولی عاقبت شمشیر روس بر قلم او ظفر یافت . وقایع مزبور
 را يك فتره مطابقت رسمی دولت روس که بسر نیزه تفنگ خود نصب
 نموده بود خاتمه داد . سرادوار دگری در تقریر سه شنبه خود
 حقانیت آن مطابقت را ثابت نمود ، که دولت روس در مخالفت
 با استخدام رعایای اجانب در ایران محق میباشد . حقیقتاً دولتمین
 انگلیس و روس بتوسط این ادعا ضمانت نامه خود شان را در باره
 آزادی و استقلال ایران چاک کردند (یعنی نسخ و باطل نمودند)
 و استقراض متعارفی دولت ایران برای تأدیة میزان متعارفی خسارت آن
 لشکر کشی روس دوم قدم بود . تعیین رئیس رسمی اجنبی در

تحت نفوذ روس حکمران او را در طهران مسلم خواهد گردانید .
 در آن صورت مآتاکي تحمل خواهیم نمود که جنوب ایران را در
 تحت حکومت طهرانی به بینیم که مرکز مسلك روسها شده است ؟
 عاقبت چار و ناچار باید منطق و استدلال تقسیم را پیروی نموده
 تمشیت سیاسی جداگانه برای نظم جنوب فراهم نمائیم . زیرا اداره
 کردن منطقه نفوذ انگلیس تا مادامیکه تحت حکومت شهری باشد که
 کلیه در تحت نفوذ قزاقهای روس و دیپلماتهای روسی و مأمورین
 مالیه روس و مفتشین اجنبی تحت اقتدار رأی مخالف روس است
 کار مشکلی بنظر می آید . اگرچه سخت گیری و وحشی گری و
 عجولی سلوک ما با نسیبه خیلی ملاعتر است از وضع سلوک شریکمان ، ولی
 چون در هر اقدامیکه نموده سکوت کرده ایم ، ما هم دیر یا زود از
 تاسی باو ناچاریم ، و پس از چندسال ما هم منطقه جنوب را قابض
 خواهیم شد ، چنانکه الآن روس در شمال است . کابوسی که
 خواب چندین صلب افسران نظامی هند انگلیس را پریشان بلکه حرام
 نموده بود ، آخر کار بسعایت و طیب خواطر خودمان بحقیقت خواهد
 پیوست ، و افواج روس و انگلیس در محل غیر معینی با هم مقابله
 نموده و ما باید در معنی يك دولت نظامی بزرگ قاره آسیا بشویم .
 و روس و عثمانی را با افواج قرعه بی شمار شان همسایه بی آرام خود
 خواهیم یافت .

اگر ممکن بود مسائل متعلقه به ایران را موافق استحقاقش بیان کنیم
 پس در تاریخ سنوات جدیده تغییرات سترگ مشاهده میشد . با داشتن
 و نداشتن این معاهده میتوانستیم در هر دو صورت روس را پای بند
 به اجتناب از مداخله بامور ایران سازم . خلاصه اینست که ما

حس جوانمردی و اصول آزادی و احترام ملی و هر گونه دور اندیشی راجع بمنافع مشرقی خود را از دست دادیم . اگر چه این مسلك را خطرناك و احمقانه می پنداریم ، ولی ممنوع الوقوع و دور از فهم نمیدانیم . این امر یکی از نتایج مسلك بسیار وخیم اروپائی سر ادوارد گری میباشد . يك وپسوسه ساده سطحی از اول حکم فرما بوده که مبادا این دولت روس با دول دیگر بطرف آنچه دایره دیپلو ماسی آلمان میداند جلب شود . در هر سال مظالمه و وبال بی نهایت دیگران را بذمه خود میگیریم برای تحصیل اطمینان در باز داشتن بعضی از دول بمصالحه کامله با آلمان . چنانکه از صورت محاسبه فرانسه در معامله مراکش و نتایج آن و تسلیم کردن حصه بزرگتر ایران را با کمال آزادی و اطمینان خواطر بروس بخوبی ظاهر میشود . آیا این قسمت گزاف مناسبی بود برای وصول به این مقصد ؟ و با وجود سطح پست این معاملات منفعت دیپلوماتی که نما رسیده چه بوده است ؟ اگر چه دولت روس در ابتدای آن معاملات شریك قابل اطمینان فرانسه شناخته شد ولی امروز در متخیله هیچکس هم خطور نمیکند که دولت مشارالیهها مداخله مسلحه بکند . در صورتیکه جنکی از واقعه (اکادیر) بروز نماید ، و ما هم نمیتوانیم در این کار او را ملامت نماییم . حقیقت واقع اینست که تا کنون بنگاهداری دولت مشارالیهها در محل اصلیش موفوق نگر دیده ایم ، یعنی در داخل دایره فرانسه و انگلیس . دولت روس با آلمان شرایط و معاهداتی در [پوتسدام] کرده که نه اقدامات دابخواهازه اش در ایران ، و نه مجاهدت و باران طلای انگلیس که در معاملات قندی بر او باریده برای خریداری صداقتش کافی خواهد بود . عاتش بسیار واضح است زیرا در مشکلات لشکریکه مسلك ما اورا

هر روز دوچار میسازد و نمیتوانیم او را امداد نمائیم . کوتاهی ما برای بکار بردن عبارات خشن خود در بحران (بوسینا) برای ابدالله آن امیدواری را خاتمه داد . ما در [اروپا] بازی های در می آوریم (تحریکاتی میکنیم) که استمداد آن را خود مان نداریم ، و بواسطه حرص و طمع زیادی که ناشی از مامور بی تناسبی است ، آخر کار یا باید بجز و تسلیم حاضر و یا به خطر مغلوبیت تن در دهیم . در صورتیکه مجبور شویم که هرچو قیمت سنگینی مثل ایران را برای بیطرفی روس باو به پردازیم ، ظاهر است که ستاره ما در خروج نخواهد بود .

(دوم)

(ایران در حالت التجا است)

در از منة ملافه که خصائل غارتگری انسان با قصص و حکایات جوانمردیش مخلوط بهم بود اشخاص مقتدر و متنفذ بحمايت و احترام حقوق کسانیکه بایشان ملتجی شده بودند فخریه و مباحات مینمودند .

مثلاً در زمانه هومر (۱) (Homer) اگر شخص بیچاره به یکی از رؤسای آن زمان متوسل میگشت فوراً جان و مالش در حفظ و حمايت آن رئیس در امان بود . و اگر شخص فراری به یکی از طوایف آلبانی پناه هنده میشد یقین داشت که دارای و صرفه و منافعش مانند منافع خود آن طایفه محفوظ خواهد بود . این بود عادات پسندیده ملی که در ظلمت وحشی گری و بر بریت مستور بودند .

ولی دیپلوماسی جدید قوانین تازه برای بقاء شرف و عزت خود ایجاد نموده است . دو هفته قبل دوات ایران بواسطه تهدیدیکه از لشکر کشی و حمله روس بر او شده بود رسوم معینه را عمل نموده ، به ما ملتجی گردید . و به زانوهای سنگی (دونینگ استریت) (۲) (Donning Street) آویخت . ما آن حالت تعلق آمیز را

(۱) هومر یکی از شعرای معروف یونان بود که در عصر او استبداد و بربریت

در تمام آن مهزوم حکم فرما بود *

(۲) دونینگ استریت اسم یکی از کوچه های شهر لندن میباشد که وزارت خارجه

در آن واقع است

پذیرفته و مسئولیت این امر را قبول کردیم که اگر دولت ایران به این رأی خردمندانه ما و حال آنکه بهیچ وجه شائبه فتوت در آن نبود عمل نماید ، یعنی مطالبات روسرا (اگر چه که خود دیپلماتهای ما هم آن رأی را مطابق وجدان خود نمی پنداشتند) با کسوت مسکنت و فروتنی به پذیرد ، و معذرتی هم از روسها برای توهینیکه بر حسب ظاهر به آنها وارد شده بود بخواهد و حال آنکه حق با خود ایرانیان بود . ایرانیان خوش بلور پیروی رأی مزبور را نموده ، گمان کردند که نفوذ اثر ما در منع از پیشقدمی روس مفید واقع خواهد شد . ممکن بود تصور شود که اگر جنبه ترحم ما جنبشی نکند شاید عرق غیرت و حمیت ما محرك امداد به ایشان شود . در هر حال ایشان متابعت از رأی ما نموده عوض کاملی بروس دادند اگر نتیجه آن متابعتها سیادت ما را ملزم بهراهی با ایشان ننمیدود ، اقلای رعایت اثر و نفوذ مان مقتضی بود که ایشان را از تصادف با مطالبات و مظالم بیشتر از آن محافظت نماییم . این قضیه ایرانیان را فهماند که هیچ کس نباید بی درنگ تصور کند که مسلك وزیر خارجه این عصر متمدن مطابقه خواهد نمود با مسلك ارواح مصادر امور زمانه [هومر] یا قطاع الطریقان (البانی) (عجب دراینست) که با اینکه ما در امداد و محافظت ایرانیان هیچ جنبشی هم ننمودیم هیچ کس نمیتواند تهمت سستی و بی اعتنائی هم با بزند . همچو معلوم میشود که مطالبات فوق العاده شریک خود را تصویب نموده ایم . دولت روس سه امر را درخواست نموده ، عزل مسٹر شوستر . پذیرفتن ایران رای انگلیس و روس را در مخالفت با حق استخدام دولت ایران مستخدمین اجنبیه را از هر مذهب و ملتی که باشند ، تادیبه خسارتی برای معاوضه